خانه‌ای برای اهل فرهنگ

گفت‌وگو با غلامرضا امیرخانی رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی

گفت‌وگو

مریم شهبازی
گروه کتاب

سال گذشته در چنین روزهایی دکتر غلامرضا امیرخانی به ریاست سازمان اسناد و کتابخانه ملی کشورمان منصوب شد؛ انتصابی که با توجه به سوابق و عملکرد او با استقبال اهالی فرهنگ روبه‌رو شد. یک‌سالگی این مسئولیت و همزمانی‌اش با سی‌وسومین دوره هفته کتاب، بهانه‌ای شد که با او گفت‌وگو کنیم. امیرخانی معتقد است این سازمان باید نقشی ملی و فراتر از یک مرکز اسنادی و کتابخانه‌ای داشته باشد و به بخشی از دستگاه دیپلماسی فرهنگی کشور تبدیل شود؛ از همین رو بر افزایش همکاری‌های بین‌المللی با مراکز کتابخانه‌ای و فرهنگی کشورهای مختلف و تعامل با مجامع جهانی تأکید می‌کند.

امیرخانی رویکرد فعلی سازمان اسناد و کتابخانه ملی را تسهیل‌گر و غیرسیاسی می‌داند و معتقد است کتابخانه ملی باید در همراهی با نهادها و تشکل‌های علمی و فرهنگی، نقشی حمایت‌گر ایفا کند؛ رویکردی که به گفته او می‌تواند نقش‌آفرینی این سازمان را از شکلی صرفاً کتابخانه‌ای و اسنادی به نهادی فعال و قابل اتکا در زمینه‌های مختلف علمی-فرهنگی و همچنین مؤثر در گسترش روابط خارجی تبدیل کند.

آقای امیرخانی یک سال از انتصاب شما به ریاست کتابخانه ملی و سازمان اسناد می‌گذرد، با چه چشم‌انداز و ایده‌هایی این مسئولیت را پذیرفتید و چه میزان از برنامه‌های مدنظرتان در این مدت اجرایی شده‌اند؟

آنچه از ابتدای انتصاب به این مسئولیت و با تکیه بر شناخت قبلی در ذهن داشتم، به ظاهر ربطی به سازمان اسناد یا کارهای کتابخانه‌ای ندارد؛ مرتبط با کلیت کار و در زمینه دیپلماسی فرهنگی است. از قبل درباره سیاست‌هایی که می‌توان برای تحقق دیپلماسی فرهنگی به کار بست، بررسی‌هایی انجام داده بودم. با آنکه طی سال‌های گذشته کارهای ارزشمندی در این حوزه انجام شده ولی هنوز فاصله زیادی با جایگاه ایده‌آل داریم. این ضرورت احساس می‌شد که دیپلماسی فرهنگی و فعالیت‌های منتهی به آن باید پررنگ‌تر شوند. سازمان اسناد و کتابخانه ملی باید در خدمت سیاست خارجی نظام، به بازویی برای تحقق دیپلماسی فرهنگی تبدیل شود و در این مسیر نقشی پررنگ ایفا کند. طی یک سال گذشته کارهای خوبی انجام شده است؛ آن هم در شرایط دشواری که به کشورمان تحمیل شد و شاهد قطع یا محدود شدن برخی روابط خارجی بودیم. اواخر بهار با جنگ تحمیلی و ناجوانمردانه صهیونیست‌ها علیه کشورمان روبه‌رو شدیم اما حتی در آن دوازده روز جنگ نیز دست از کار نکشیدیم و آسیبی را که اسرائیلی‌ها به کتابخانه وزارت امور خارجه وارد کردند از طریق ایفلا (فدراسیون بین‌المللی کتابداری و اطلاع‌رسانی) پیگیر شدیم.

این نامه‌نگاری چه نتیجه‌ای داشت؟

با آنکه در موضع‌گیری عملکردی محتاطانه دارند، اما آن اتفاق را محکوم کردند. آسیب به کتابخانه و منابع آرشیوی در هیچ کجای دنیا پذیرفته نیست. این نامه‌نگاری تأکیدی بود بر اینکه منابع آرشیوی، اسناد و مخازن کتابخانه‌ای در هر شرایطی باید امن باشند و حفظ شوند؛ مسأله‌ای که رژیم صهیونیستی آن را نقض کرد. ما این اتفاق را به گوش رؤسای کتابخانه‌های ملی جهان رساندیم. این مورد مصداق تلاشی است که برای پیشبرد اهداف‌مان دنبال می‌کنیم. کارهای متعددی انجام شده و همچنان برای ارتقا و افزایش نقش‌آفرینی‌مان در تلاش هستیم. تقریباً هر روز خبر یا برنامه‌ای مرتبط با مسائل بین‌المللی داریم که گاهی مرتبط با برگزاری یک رخداد است و گاهی نیز در ارتباط با فراهم کردن مقدمات لازم برای اقدامات آینده.

در کنار سال‌ها کار فرهنگی در زمینه‌های مختلف، شما ارتباط حسنه‌ای با اهالی فرهنگ و همچنین سابقه سال‌ها حضور و فعالیت مداوم در سازمان اسناد و کتابخانه ملی دارید؛ این موارد چقدر در پیشبرد برنامه‌ریزی‌ها و اقداماتی که انجام می‌دهید راهگشا بوده‌اند؟

تعامل خوبی با اهالی فرهنگ و اصحاب رسانه دارم که به آن می‌بالم؛ البته غیر از این هم نباید باشد. افرادی که در حوزه‌های مختلف علمی و فرهنگی عهده‌دار مسئولیتی می‌شوند، باید برای برقراری این تعامل بکوشند. در غیر این صورت موفق به اعتمادسازی نمی‌شوند. هر مسئولی می‌تواند زمانی را برای این کار اختصاص دهد. ما در سازمان اسناد و کتابخانه ملی هیچ فعالیت پنهانی نداریم. مدعی انجام کار شگفت‌انگیزی هم نیستیم؛ هر آنچه را برعهده‌مان بوده، انجام می‌دهیم و این را شفاف بیان می‌کنیم. این تعاملات وقتی پررنگ باشند، انتقادات و خواسته‌های جامعه هدف‌مان را به ما منتقل می‌کنند و از این طریق قادر به بهبود و رفع نواقص می‌شویم.

در این تعاملات چه جایگاهی برای چهره‌های پیشکسوت و صاحب‌نظر قائل هستید؟ به خصوص که سازمان اسناد و کتابخانه ملی کشورمان اساتید صاحبنامی داشته که هریک نقش مهمی در آن ایفا کرده‌اند.

به شخصه افتخار شاگردی برخی از این اساتید نامدار را داشته‌ام؛ از جمله استاد نوش‌آفرین انصاری که در دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، دانشجوی ایشان بوده و به شکل غیرمستقیم شاگرد همسر بزرگوارشان، استاد مهدی محقق نیز بوده‌ام. حدود دو هفته قبل مراسمی در بزرگداشت خانم ثمینه باغچه‌بان برگزار کردیم که خانم انصاری در آن نقشی محوری داشتند. تعامل خوبی هم با چهره‌های شاخص فرهنگستان زبان و ادب فارسی نظیر دکتر حسین معصومی همدانی و دکتر علی‌اشرف صادقی داریم که از اعضای اندیشگاه کتابخانه ملی نیز هستند. از مشاوره‌ها و همراهی اساتید دیگری نظیر مسعود جعفری جزی هم بهره‌مند می‌شویم، همچنین در خدمت علی‌اصغر محمدخانی هستیم؛ مدیر و فعال فرهنگی که در بسیاری از عرصه‌های فرهنگی منشأ اثر بوده و کارهای بسیار مهم و بزرگی انجام داده است. اساتید و بزرگان بسیاری در حوزه‌های مختلف به اندیشگاه و کتابخانه ملی رفت‌وآمد دارند که از همراهی آنان در بهبود روند کاری‌مان بهره می‌گیریم. از ابتدای سال ۱۳۹۳ که معاونت کتابخانه ملی را به عهده گرفتم تا به امروز، برای بزرگان بسیاری مراسم گرامیداشت برگزار کرده‌ایم؛ از بزرگداشت برای زنده‌یاد عبدالله انوار تا استاد کامران فانی که امیدوارم سلامتی‌شان را به دست آورند. برخی از این اساتید، از جمله زنده‌یاد انوار به دلایلی برای سال‌ها به کتابخانه ملی نیامدند که آنان را دوباره به خانه‌شان بازگرداندیم. زنده‌یاد انوار تا آخرین روزهای زندگی‌شان در جلسات کتابخانه ملی و حتی سخنرانی‌ها شرکت می‌کردند. پیش از درگذشت نیز وصیت کردند کتابخانه شخصی‌شان به کتابخانه ملی واگذار شود. حدود یک سال‌واندی قبل کل کتابخانه استاد انوار به فضایی دلنشین منتقل شد. حواسمان به همکاران پیشکسوت و آنهایی که نقشی در امروز سازمان اسناد و کتابخانه ملی داشته‌اند نیز هست. شخصاً پیگیری‌هایی هم در خصوص نامگذاری خیابان‌هایی به اسم این اساتید داشته‌ام، از جمله خیابان‌هایی که به یاد استاد انوار و استاد محمود حکیمی نام گرفتند.

شما تأکید دارید مسئولیت سازمان اسناد و کتابخانه ملی فراتر از حیطه اسنادی و کتابخانه‌ای است و از قدرت نقش‌آفرینی کتابخانه ملی در تحقق دیپلماسی فرهنگی می‌گویید. این سازمان می‌تواند در حکم مکملی برای سازمان‌هایی نظیر فرهنگ و ارتباطات اسلامی باشد؟

برای فعالیت‌های مرتبط با سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و وزارت امور خارجه، می‌تواند نقش مکمل داشته باشد. در مسیر دستیابی به دیپلماسی فرهنگی و کارهایی که از عهده کتابخانه ملی ساخته است، همکاری بسیار خوبی با هر دو اینها داریم. این تعاملات گاهی روزانه هستند، از امضای تفاهمنامه برای همکاری‌های مشترک گرفته تا اعزام کارشناسان کتابخانه ملی به کشورهای دیگر برای مرمت اسناد. تازه‌ترین نمونه آن همکاری مشترکی است که با سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی درباره کشور قزاقستان داشته‌ایم. همه ما در کنار یکدیگر هستیم و هر کاری از عهده‌مان بربیاید، با پرهیز از دوباره‌کاری انجام می‌دهیم.

در ارتباط با سازمان اسناد موفق به انجام چه کارهایی شده‌اید؟

در پاسخ به این سؤال، با تکیه بر تفکیکی که مدنظرتان است، باید به مورد دیگری اشاره کنم که آن را می‌توان دومین برنامه مهمی دانست که در یک سال اخیر دنبال کرده‌ایم. این مورد درباره ساماندهی احکام و اسناد اداری کشور و مشخصاً بحث اتوماسیون‌های اداری است. بخشی از حافظه اداری کشور طی حدود ۱۵-۱۰ سال گذشته به شکل دیجیتال متولد و ثبت شده‌اند؛ اتفاقی که در چند سال اخیر گسترش و همه‌گیری بیشتری پیدا کرده، اما ساماندهی این فضای جدید کمتر مورد توجه قرار گرفته است. تکلیف‌مان با سندهای مکتوب مشخص است اما درباره اسناد دیجیتال شرایط متفاوتی در میان است، از جمله اینکه چطور نگهداری شوند. یکی از برنامه‌های فعلی‌مان ارائه الگو به همه دستگاه‌هاست.

سازمان اسناد در این رابطه نقش نظارتی هم دارد؟

بله، برای سازمان اسناد نقش نظارتی هم در نظر گرفته شده است. برای عملیاتی کردن این مصوبه، به زودی استانداردهای مورد نظر به سازمان‌ها و دستگاه‌های مختلف اعلام می‌شود. معاون اول رئیس‌جمهور نیز دستورهای لازم را صادر کرده‌اند. امیدواریم همه سازمان‌ها و دستگاه‌ها به استانداردهای تولید و ذخیره‌سازی اسناد دیجیتالی متعهد باشند تا آیندگان در استفاده از حافظه اسناد با مشکلی روبه‌رو نشوند. اگر اهمیت نگهداری و واگذاری اسناد را درک کنند، از همکاری خودداری نمی‌کنند، البته در این زمینه نیز استثناهایی وجود دارد. قانونی که در سال ۱۳۴۹ تصویب و منجر به تأسیس سازمان ملی اسناد شد، همچنان جاری است. هرچند با چالش‌هایی نیز روبه‌رو هستیم، از جمله آنکه گاهی متوجه می‌شویم مدیر اداره‌ای در یکی از شهرها، خودسرانه اسنادی را از میان برده است. مواردی اینچنینی نگران‌کننده است و باید جلوی بروز آن را بگیریم.

در زمینه اسناد دیجیتالی با چه چالش‌هایی روبه‌رو هستید؟ به خصوص که در کنار نگهداری سهل‌تر اسناد دیجیتالی، ممکن است با مسائلی نظیر نفوذ سایبری هم مواجه شوید!

این ویژگی کلی فضای مجازی است که اسناد دیجیتالی هم از آن مستثنی نیستند. همان‌قدر که نگهداری اسناد دیجیتالی سهل‌تر است، احتمال تخریب آنها از طریق هک و نفوذ سایبری نیز وجود دارد. مسأله حفظ اسناد و داده‌های دیجیتال نیز چالش دیگری است که برای آن باید برنامه‌ریزی شود.

در بحث دیجیتال‌سازی نسخ خطی و اسناد چه اقداماتی انجام شده است؟

در رابطه با دیجیتال‌سازی کارهای بزرگی انجام شده است؛ بخش مهمی از اسناد شش دوره اول مجلس شورای اسلامی در اختیارمان بود که همگی دیجیتال‌سازی شده‌اند. هم‌اکنون اسنادی از ریاست‌جمهوری و نهادهای دیگر رسیده که مشغول آنها هستیم. در حوزه کتابخانه‌ای نیز بالای ۹۰ درصد نسخ خطی دیجیتال‌سازی شده‌اند. بخش مهمی از نشریات، به خصوص نشریات قدیمی دوره قاجار اسکن شده‌اند؛ کتاب‌های ایران‌شناسی نیز همین‌طور. مابقی کارها نیز به شکل روتین در حال انجام هستند.

چه تعداد سند در مرکز اسناد نگهداری می‌شود و قدیمی‌ترین اسناد متعلق به چه دوره‌هایی هستند؟

دقیق نمی‌دانم، اما عدد ۵۰۰ میلیون برگ برای آن ذکر شده است. قدیمی‌ترین سند متعلق به قرن هشتم هجری قمری و اگر اشتباه نکنم متعلق به استان فارس است. اسنادی هم از قرن نهم داریم. اما اسناد متعلق به قرن دهم به بعد با افزایش قابل توجهی روبه‌رو هستند. با توجه به زمان اسناد، استفاده‌های متفاوتی از آنها می‌شود، اسناد قدیمی‌تر در عرصه‌های پژوهشی مورد استفاده قرار می‌گیرند و اسناد دهه‌های اخیر در مسائل روز، از جمله وراثت، شجره‌نامه، تقسیم آب و دعواهای حقوقی کارکرد دارند.

جمع‌آوری اسناد و مجموعه‌های شخصی، برای غنی‌سازی هرچه بیشتر مخازن سازمان اسناد و کتابخانه ملی همچنان بخشی از برنامه‌های‌تان را تشکیل می‌دهد؟

بله، اتفاقاً طی روزهای گذشته مجموعه اسناد شخصی دکتر محمد مصدق بعد از سال‌ها از آرامگاه ایشان در احمدآباد به کتابخانه ملی منتقل شد که واگذاری بسیار مهمی است. این اسناد، نامه‌های شخصی و اداری دکتر مصدق هستند. مجموعه‌های دیگری هم اخیراً به سازمان اسناد و کتابخانه ملی منتقل شده‌اند که درباره آنها نیز اطلاع‌رسانی می‌شود. در عمل نشان داده‌ایم که سازمان اسناد و کتابخانه ملی، فراتر از هر قومیت و جناحی، به همه مردم ایران تعلق دارد؛ نگاهی که مایه افتخار و مباهات‌مان است.

> طی روزهای گذشته مجموعه اسناد شخصی دکتر محمد مصدق بعد از سال‌ها از آرامگاه ایشان در احمدآباد به کتابخانه ملی منتقل شد که واگذاری بسیار مهمی است. این اسناد، نامه‌های شخصی و اداری دکتر مصدق هستند. مجموعه‌های دیگری هم اخیراً به سازمان اسناد و کتابخانه ملی منتقل شده‌اند

به منظور حفاظت از نسخ خطی هر از چندی فراخوان‌هایی منتشر کرده و از مردم دعوت می‌کنید که اسناد تاریخی شخصی و نسخ خطی خود را برای نگهداری در شرایط مطلوب به سازمان اسناد و کتابخانه ملی بسپارند؛ همراهی مردم تا به امروز به چه شکل بوده؟ به مالکان شخصی چگونه اطمینان خاطر می‌دهید که مالکیت اسناد همچنان در دست خودشان باقی می‌ماند؟

اسناد دکتر مصدق، مصداقی از موفقیت در اعتمادسازی است. اسناد، کتاب‌ها و منابعی از دکتر حسن روحانی هم به سازمان اسناد و کتابخانه ملی واگذار شده است. مورد دیگری که به تازگی انجام شده اما درباره آن اطلاع‌رسانی نشده است، اهدای مجموعه کتاب‌ها، یادداشت‌ها و نامه‌های شادروان دکتر اللهیار صالح از چهره‌های سیاسی کشورمان در دوره معاصر است. نمونه‌های ارزشمند دیگری هم هدیه شده‌اند که خب بحث اینها قدری با مردم عادی تفاوت دارد. برای افزایش اعتماد مردم باید کار بیشتری انجام شود. به مردم اطمینان می‌دهیم که مجموعه‌ها، اسناد و نسخ قدیمی آنها را با حفظ مالکیت شخصی‌شان و تا زمانی که بخواهند در شرایط مناسب نگهداری خواهیم کرد.

در حیطه خدمت‌رسانی به مراجعه‌کنندگان چه اقداماتی انجام داده‌اید؟

به طور میانگین روزانه ۱۵۰۰ نفر به کتابخانه ملی مراجعه می‌کنند. این افراد نیازهای مختلفی از جمله دسترسی به فضایی آرام برای مطالعه دارند. برخی مشکلاتی که مراجعه‌کنندگان در این رابطه با آنها روبه‌رو هستند خارج از حیطه اختیارات ما هستند؛ از جمله مسأله پارکینگ که همچنان برقرار است. طی ۱۲-۱۰ سال گذشته شهرداری اهتمام چندانی برای اتمام پروژه پارکینگ نداشته است.

همان پروژه‌ای که گودبرداری آن در دو، سه سال گذشته موجب ترک برداشتن مخزن کتابخانه ملی شد؟

بله، در نتیجه این پروژه، ضلع شمالی ساختمان کتابخانه ملی دچار فرونشست‌هایی شد. پروژه چندان عظیمی نیست اما ظاهراً عزمی برای اتمام آن پارکینگ طبقاتی وجود ندارد. حالا بماند که شهرداری مدتی است، در این محدوده جمعه‌ها بازاری با عنوان جمعه‌بازار هنر برپا می‌کند که سبب ترافیک عجیبی می‌شود. شهرداری قول جابه‌جایی آن را داده اما هنوز کاری برای انتقالش انجام نداده است. متأسفانه حل بخشی از این مشکلات از حیطه اختیارات ما خارج است. با این حال برای حل مسائل مرتبط با خود کتابخانه ملی هرکاری از عهده‌مان ساخته باشد انجام می‌دهیم. برخی مشکلات مرتبط با امکانات رفاهی حل شده و شرایط عضویت هم بهتر شده است. در این یک سال تا جایی که شرایط و امکانات‌مان اجازه داده برای حل مشکلات کوشیده‌ایم؛ اتفاقی که تأثیر آن در نظرسنجی‌های اخیر هم مشهود بوده است.

برتلاش برای بهبود خدمات رسانی به اعضای کتابخانه ملی تأکید دارید، یکی از گلایه‌های همیشگی دانشجویان و پژوهشگران شرایط سخت برای عضویت است؛ نظیر برخورداری از سطوح بالای دانشگاهی یا معرفی‌نامه از فلان مرکز علمی و پژوهشی برای اجازه دسترسی به برخی تالارها و مخازن. برای رفع این موانع چه کرده‌اید؟

تقریباً اغلب مراجعه‌کنندگان دست‌خالی برنمی‌گردند. شرط‌هایی که برای عضویت درنظر گرفته شده بنابر محدودیت‌هایی است که در جا و مکان داریم. حتی در صورت فقدان این موارد هم اگر مراجعه‌کننده مقاله یا کتاب تألیفی و ترجمه داشته باشد، امکان دسترسی به منابع مورد نظرش را فراهم می‌کنیم. گاهی ممکن است که فرد متقاضی هیچ‌کدام از پیش‌شرط‌ها را نداشته باشد اما خواهان مطالعه کتاب خاصی باشد، برای اینها نیز تا جایی که امکانات اجازه بدهد کارت‌های موقت صادر می‌کنیم. با آنکه اعضا باید دانشجوی کارشناسی ارشد به بالا باشند اما تبصره‌های مختلفی برای امکان دسترسی و عضویت پژوهشگران واقعی در نظر گرفته شده است. اگر از فضا و امکانات لازم برخوردار بودیم همه شروط را حذف می‌کردیم اما در این رابطه محدودیت داریم.

در خلال برگزاری سلسله نشست‌هایی که به میزبانی اندیشگاه کتابخانه ملی برگزار می‌شوند، بخشی از فعالیت‌ها به برقراری تعامل میان جامعه علمی-فرهنگی اختصاص دارد. در این ویژه‌برنامه‌ها، میزبانی همه گروه‌های فکری را فارغ از برخی خط‌کشی‌ها برعهده دارید؟

بله، در برنامه‌های علمی- فرهنگی و نشست‌های اندیشگاه، نگاهی حزبی و سیاسی نداریم. از نمونه برنامه‌هایی که به میزبانی اندیشگاه کتابخانه ملی برگزار می‌شود می‌توان به مجموعه جلسات «صدکتاب ماندگار قرن» اشاره کرد که اخیراً چهل‌ویکمین جلسه آن برگزار شده است. جلسه گذشته به کتاب «راهنمای آماده ساختن کتاب» فیلسوف برجسته، میر شمس‌الدین ادیب سلطانی اختصاص داشت. چند هفته قبل‌تر، کتابی از جلال آل‌احمد بررسی شد. در این سلسله نشست‌ها به سراغ کتاب‌های تألیفی مهم و اثرگذار در یک قرن اخیر می‌رویم؛ از «مفاتیح‌الجنان» شیخ عباس قمی تا «مستطاب آشپزی» نجف دریابندری و «فرهنگ حییم» که کاری از سلیمان حییم، هموطنی یهودی است. سعی‌مان توجه به طیف گسترده‌ای از کتاب‌های ارزشمند و نویسندگان، فارغ از نگاه‌های سیاسی است. کتابخانه ملی در کنار خدمات کتابخانه‌ای رایج باید به محفلی فرهنگی برای گردهمایی اصحاب اندیشه تبدیل شود. با آغوش باز از همه پژوهشگران علاقه‌مند به هویت ایرانی- اسلامی سرزمین‌مان استقبال می‌کنیم.

به نظر می‌رسد برای سازمان اسناد و کتابخانه ملی، در کنار انجام وظایفی که به آن محول شده، نقش تسهیل‌گری نیز قائل هستید. با چنین نگاهی، با تشکل‌ها و گروه‌های مختلف فعال در عرصه کتاب و فرهنگ چه کارهای شاخصی را در زمینه برپایی بزرگداشت‌ها، رونمایی آثار و نشست‌ها، انجام داده‌اید؟ و برای گسترش این نوع همکاری‌ها چه برنامه‌ای دارید؟ به عنوان نمونه درباره «خانه اندیشمندان علوم انسانی» که با مشکلاتی روبه‌رو شده، آیا همکاری‌هایی در زمینه تداوم کارهای آنها با کمک کتابخانه ملی انجام شده یا قرار است صورت بگیرد؟

کتابخانه ملی از حیث معنوی، نقش رهبری بر همه کتابخانه‌های کشور دارد، در مواردی نظیر تولید استانداردهای حوزه کتابداری، نگهداری نسخ خطی حمایتگر و در جایگاه تسهیل‌گری است.

به همین دلیل استانداردهای کتابخانه ملی طی پنجاه سال گذشته بی‌نیاز از هرگونه دستور و بخش‌نامه‌ای پذیرفته و مورد استفاده قرار گرفته‌اند. این نگاه تسهیل‌گری در عموم فعالیت‌هایی که به نوعی به کتابخانه ملی مرتبط می‌شوند تسری پیدا کرده است. در حیطه برنامه‌های فرهنگی، از جمله برگزاری گرامیداشت‌ها نیز به هر تشکل و نهادی که درخواست داده، کمک کرده‌ایم؛ از تکریم دانشمندان، مشاهیر و مفاخر گرفته تا هنرمندان. این روندی است که در یک دهه اخیر مورد توجه کتابخانه ملی قرار گرفته، ما نیز به آن پایبند و معتقد هستیم و در این یک سال برای پررنگ‌تر شدن آن کوشیده‌ایم. این مسأله را به عرصه بین‌المللی نیز برده‌ایم، برنامه‌های فرهنگی مختلفی را در همراهی کشورهای مختلف، به خصوص ترکیه، پاکستان، ازبکستان، قزاقستان و به تازگی هم روسیه برگزار کرده‌ایم. ارتباط‌هایی با مراکز کتابخانه‌ای و فرهنگی کشورهای اروپایی نظیر فرانسه و نروژ نیز برقرار کرده‌ایم. برای همراهی با خانه اندیشمندان علوم انسانی نیز تا جایی که امکانات و شرایط‌مان اجازه بدهد اقدام خواهیم کرد. همان موقعی که محل استقرارشان را از دست دادند، پیشنهاد میزبانی‌شان را برای برنامه‌هایی که قرار بود برگزار کنند دادیم. می‌توانند از فضایی که اینجا در اختیارمان هست برای پیشبرد برنامه‌ها و رویدادهای فرهنگی‌شان استفاده کنند.

از جمله حواشی سال‌های اخیر سازمان اسناد می‌توان به ماجرای نفوذ آب به طبقات زیرین مرکز اسناد اشاره کرد؛ آن موقع خبرهایی حاکی از آسیب به برخی اسناد آرشیوی منتشر شد و اینکه تمهیدات درستی برای محافظت از آنها در نظر گرفته نشده بوده، هرچند مدیران وقت معتقد بودند اسناد مهمی از بین نرفته است. ماجرای آن اسناد در دوره گذشته جمع شد یا جزئی از میراثی بود که به دست شما و همکاران‌تان رسیده؟

اقدامات و پیشگیری‌های لازم انجام شده است؛ آن واقعه در تعطیلی‌های چند روزه و در نتیجه بارندگی‌ها رخ داد. از کار افتادن یکی از پمپ‌های تخلیه، توأم با ضعف مدیریتی شد و آن ماجرا را رقم زد. از آنجایی که آن اسناد در طبقه منفی پنج نگهداری می‌شده‌اند، به احتمال بسیار اغلب‌شان، اسناد امحایی بوده‌اند و در انتظار تعیین تکلیف. هرچند نمی‌توانم در این رابطه نظر قطعی بدهم. آن اتفاق تلخ و ضعف مدیریتی، درس عبرتی برای جلوگیری از بروز وقایع مشابه شد.

کتابخانه‌ها در کشور ما متولیان مختلفی دارند، از شهرداری و نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور گرفته تا کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان. برخی معتقدند بهتر است همه این کتابخانه‌ها تحت مدیریت کتابخانه ملی، به عنوان کتابخانه‌ای مادر باشد؛ چنین اتفاق اصولی و امکان‌پذیر است؟

در این رابطه الگوی جهانی یکسانی وجود ندارد؛ در برخی کشورها، کتابخانه‌های عمومی به طور کامل زیرمجموعه کتابخانه ملی هستند. انواع و اقسام مختلفی از مدیریت کتابخانه‌های عمومی وجود دارد که این به قوانین و نحوه مدیریت فرهنگی کشورهای مختلف بازمی‌گردد. درباره کشور خودمان الزامی به یکپارچه شدن مدیریت تمامی کتابخانه‌ها وجود ندارد، اما اینکه در برنامه‌ریزی و پیگیری اهداف، همفکری و همراهی داشته باشند؛ اقدامی ضروری است. به خصوص که در مواردی به دلیل فقدان این هماهنگی‌ها، تعادلی از نظر توزیع جغرافیایی برقرار نشده است؛ در برخی خیابان‌ها، به فاصله‌ای نزدیک دو کتابخانه دایر شده است، یکی متعلق به نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور و دیگری متعلق به شهرداری. هنوز هماهنگی لازم میان کتابخانه‌ها وجود ندارد، در صورتی که وجود همدلی و همراهی در اهداف و کارکردها، منجر به افزایش کارآمدی می‌شود. اگر عزمی برای شکل‌گیری این همراهی شکل بگیرد، کتابخانه ملی می‌تواند با تکیه بر تجربه‌های جهانی و همچنین با بررسی شرایط داخلی، یک‌سری استانداردها را به عنوان الگو تهیه کند.

سازمان اسناد و کتابخانه ملی چه برنامه‌هایی را برای سی‌وسومین دوره هفته کتاب در نظر گرفته؟ در روزهای باقی مانده از این هفته شاهد چه اقداماتی خواهیم بود؟

امسال نیز چون دوره‌های گذشته برنامه‌های متنوعی را برای هفته کتاب در نظر گرفته‌ایم که بخشی اجرایی شده‌اند و بخشی هم برای روزهای پایانی این هفته در نظر گرفته شده‌اند. تقدیر از کتابداران نمونه و پیشکسوت از جمله این برنامه‌هاست. رونمایی از چند کتاب نیز در زمره برنامه‌ریزی‌های این هفته قرار دارد؛ جزئیات بیشتر درباره برنامه‌های این هفته نیز پیش‌تر اطلاع‌رسانی شده‌اند.

> از ابتدای سال ۱۳۹۳ که معاونت کتابخانه ملی را به عهده گرفتم تا به امروز، برای بزرگان بسیاری مراسم گرامیداشت برگزار کرده‌ایم، از بزرگداشت زنده‌یاد عبدالله انوار تا استاد کامران فانی که امیدوارم سلامتی‌شان را به دست آورند

در جریان برگزاری کنفرانس عمومی یونسکو، دو تن از مفاخر علمی و معنوی ایران، بایزید بسطامی و علامه سید محمدحسین طباطبایی، در فهرست برنامه‌های بزرگداشت جهانی این سازمان برای سال میلادی پیش‌رو قرار گرفتند. چه برنامه‌هایی در این زمینه دارید؟ به این منظور چه برنامه‌هایی در همراهی با دانشگاه‌ها و محافل علمی-فرهنگی انجام خواهید داد؟

این انتخاب فرخنده به تازگی رخ داده است و برنامه‌ریزی برای آن نباید شتاب‌زده باشد. با همکاری نهادها، تشکل‌های فرهنگی و همچنین یونسکو می‌توان کارهای شایسته‌ای در سال میلادی پیش‌رو انجام داد. علامه طباطبایی، فقیهی گرانقدر و شخصیتی بسیار برجسته، فیلسوف و عارف بزرگی هستند که آثار و خدمات علمی- فرهنگی‌شان را باید به جهانیان معرفی کرد. روز کتاب و کتابدار در تقویم فرهنگی کشورمان مصادف با روز درگذشت ایشان است؛ تقارنی بسیار با معنی. آثاری که از ایشان به یادگار مانده‌اند گنجینه‌ای از میراث مکتوب ایرانیان هستند. طیف گسترده‌ای از بزرگانی که در محضر ایشان تربیت شده‌اند از جمله دکتر دینانی و سیدحسن نصر گواهی بر اهمیت برنامه‌ریزی برای معرفی هرچه بیشترشان است. در این رابطه از کارهای مشترک با تشکل‌ها و محافل علمی- فرهنگی استقبال می‌کنیم. بایزید بسطامی نیز شخصیتی کم‌نظیر هستند، عارفی گرانقدر که در کشورهای اسلامی و نقاط بسیاری از جهان مورد توجه قرار دارند. در خصوص هر دو شخصیت، برای همکاری با تشکل‌ها و نهادهای علاقه‌مند اعلام آمادگی می‌کنیم.